



پیام نامه شورای بازپس گیری ایران

شماره ۳۳ - هشتم مرداد ماه ۲۵۸۳ شاهنشاهی، ۱۴۰۳ خورشیدی، ۲۹ جولای ۲۰۲۴ ترسایی
تلفنهای گروه نویسندگان و نگارش: ۰۱۱۳۶۳۲۳۸۸۰۴۳ و ۱۹۷۲۳۲۲۳۶۲۶ و ۱۶۵۰۵۲۹۵۲۳۴
ایمیل: bazpasgiri1401@gmail.com



مقاله «فرمانده و قهرمان» نوشته دکتر محمد رضا عاملی تهرانی بنیانگذار حزب پان ایرانیست و آموزگار شهید مکتب ناسیونالیسم ایران.

این نوشته ادبی تقدیم میگردد به رضاشاه دوم پادشاه بی قید و شرط ملت ایران که امروز یک تنه در لباس سرباز و فرمانده برای نجات ایران استوار و مقاوم ایستاده است تا وظیفه ملی خود را به ملت و میهن و تاریخ پر افتخار کشورش ادا نماید.

باشد، که خدای ایرانزمین نگهبان او باد

پاینده ایران

«فرمانده و قهرمان»

دو دوست، فرمانده و سرباز؛ تاریک شب باهم به گفتگو:

— جان من به فرمان تو! اما به شرط.

— خواهی که چون من بگذری، سربازان ترا به دوش، گام ها سنگین، آهنگ پر شکوه،

آرامگاه تو معبد آنان؟

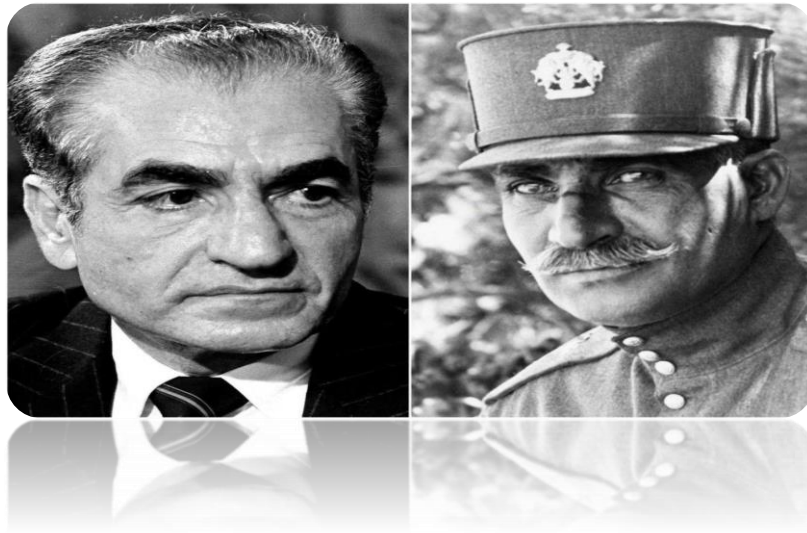
— نه من با پرشکوه ترین آهنگ ها در
می گذرم؛ به راه خون خود و به آهنگ / خون خود و هیچ کس نخواهد توانست آهنگی
بر تر از آن افریند.

— چه خواهی ؟ خواهی که کودکان سرافراز و همسرت آسوده ؟
— نه، این در این است . خواست من بایسته نیست . کیست که دودمان / خونین جامگان را پاس ندارد ؟
— پس تو آرزو داری که هر بهاران ، گل های زیبا بر مزارت گذارند و سربازان بر آن سرود جانبازی سر دهند ؟
— هر کس به خاک خفته که به خون غلتیده ، گلباران است : خود گل ها از خاکند ، خون سیاوش را فراموش کرده ای ؟
— دانستم ، که می خواهی که نامت به جای ماند و داستان بر زبان ها ؟
— نامم تا خون بجاست ، . خود بجاست و داستانم بر زبان هاست ؟ آن سان که بود هر سرباز خود داستان زنده ایست از
گاه باستان .

— پس چیست آرزوی تو ؟
— می خواهم که مرا چون قهرمانان به
کشتن دهی
فرمانده اندیشید:

— آیا من روح زمان خود را می دانم ؟
۱۳۳۱/۱/۳ آهنگهای خون .

رضا شاه روح مستاد



Reza Pahlavi - Official TG, [Jul 27, 2023, at 6:55 AM]

رضا شاه بزرگ و محمدرضا شاه در دوران حکمرانی خود کوشیدند ایرانی بسازند که متعلق به همه ایرانیان باشد. آنها تلاش کردند همه نخبگان و اندیشمندان کشور را فارغ از تبار و مذهب و نگاه سیاسی برای ساختن ایران به کار بگیرند. بر پایه چنین نگاه و باوری بود که بسیاری از کارگزاران پادشاهی پهلوی از نخبگان دوره قاجار بودند. و در راستای بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت انسانی کشور بود که پدر بزرگ و پدرم راهگشای حضور زنان در اجتماع و سیاست شدند و نیمی از جمعیت ایران را از پستوی انزوا و تحجر خارج کردند. آنچه ما باید از رضاشاه و محمدرضاشاه بیاموزیم ترجیح منافع ایران بر منافع شخصی و گروهی است.

رضا شاه در سفرنامه‌اش پس از نجات خوزستان آرزو کرده بود آن قدر عمر کند تا بتواند آن وطن «جذاب و عزیز» را چنان آباد سازد که حتی کسانی که مهر وطن ندارند هم زندگی در آن را به زندگی در «خارج» ترجیح دهند. هم پدر بزرگ و هم پدرم به همراه یاران ایران سازشان، مجدّانه و دلسوزانه برای برآورده کردن این آرزو کوشیدند و ایرانی ساختند که تا پیش از فاجعه خانمان سوز ۵۷، کمتر ایرانی حاضر به ترک همیشگی آن بود.

اکنون رضاشاه و محمدرضاشاه نیستند که ببینند جمهوری اسلامی با «وطن جذاب و عزیز» شان کاری کرده که حتی فرزندان و وابستگان رهبران این رژیم نیز با وجود برخورداری از رانت‌های فراوان، زندگی در «خارج» را به حضور در ایران ترجیح می‌دهند.

رضاشاه و محمدرضاشاه اما اگر امروز بودند به جوانان آگاه و دلاور ایران افتخار می‌کردند. جوانانی که با درس‌آموزی از گذشته، و با عزمی میهن‌پرستانه، می‌خواهند ایران را پس بگیرند و از نو بسازند؛ ایرانی که دوباره متعلق به همه ایرانیان باشد و همه نخبگان و نیروهای توانمند کشور، فارغ از تبار و جنسیت و باور و نگاه سیاسی در بازسازی آن به کار گرفته شوند. با اتکا به این جوانان است که یقین دارم فردای ایران بهتر از گذشته‌اش خواهد بود.



متن کامل سخنان اعلیحضرت در نشست محافظه کاران ملی:

خانم ها و آقایان، صبح بخیر.

تمدن غرب و به ویژه ایالات متحده در معرض خطر است. من این را می گویم زیرا این دقیقاً همان چیزی است که ۴۵ سال پیش برای کشور من رخ داد. شاید بگویید ایران محل آزمایشی بود برای آنچه مرحوم پدرم اتحاد نامقدس سرخ و سیاه - مارکسیسم رادیکال و اسلام گرایی رادیکال - می نامید. این دو ایدئولوژی نه برای ساختن، بلکه برای ویرانی به هم نزدیک شدند. در واقع برای از بین بردن مفهوم ایران. همانطور که خود آیت الله خمینی در بازگشت به ایران گفت: «وطن پرستان برای ما هیچ فایده ای ندارند. ما به مسلمانان نیاز داریم. اسلام با ناسیونالیسم مخالف است. زیرا ناسیونالیسم یعنی انکار ما به جای اسلام ملیت را می خواهیم.»

او به سرعت ایدئولوژی خود را عملی کرد. مجلس شورای ملی ما شد مجلس شورای اسلامی. ارتش متعارف و ملی ما به نفع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کنار گذاشته شد. نماد شیر و خورشید که قرن ها پرچم ملی ما را آراسته بود با الله اکبر جایگزین شد.

این جبهه متحد مارکسیست ها و اسلام گرایان سرزمین من را در دست گرفت، اما هرگز به تسلط بر ایران بسنده نکرد، زیرا این دو ایدئولوژی به مفهوم یک ملت و حتی کمتر از آن، به مرزها اعتقاد ندارند. در واقع جمهوری اسلامی در ایران خود را مدافع یا محدود به مرزها یا ملت ایران نمی داند، بلکه خود را به «امت» یا برادران مسلمان متعلق می داند.

این توسعه طلبی بسیار فراتر از خاورمیانه رفته است. هر روز تصاویری ترسناک و غم انگیز از پیامدهایی که گسترش این رژیم تا اروپا و غرب به همراه داشته است را می بینیم. از غارت دانشگاه‌هایی که زمانی مورد غبطه جهانیان بودند، تا حمایت از هسته‌های تروریستی در اروپا، تلاش برای نابودی اسرائیل، تا گسترش ردپای جنایت‌های آنها به آمریکای لاتین، و این تصادفی نیست. این استراتژی سیاسی جمهوری اسلامی است.

متأسفانه، بسیاری از رسانه‌های جریان اصلی و سفیران آنها که بر طبقه تحلیلگران مسلط شده‌اند، اغلب این موضوع را نادیده می‌گیرند. حتی در این هفته، ما شاهد این هستیم که ستون پنجم رژیم اسلامی، سر زشت خود را در رسانه‌ها بالا می‌کشد تا شما را متقاعد کند که رئیس‌جمهور جدید جمهوری اسلامی یک اصلاح طلب است. او چنین چیزی نیست. او چیزی نیست جز یک وفادار و نوکر این رژیم و طرفدار ایدئولوژی رادیکال و توسعه طلبانه آن، همانطور که علناً به دبیر کل حزب الله نوشت و تعهد رژیم به نیابتی‌هایش در تداوم ترور آنها را در همین هفته تکرار کرد.

در واقع ظهور اسلام رادیکال در سراسر جهان را می‌توان مستقیماً به موفقیت انقلاب اسلامی در ایران و استقرار این رژیم غاصب و ضدایرانی تحت حمایت یک اقلیت، به وسیله سرکوب و خشونت پی برد. مشکلی که از ایران شروع شد باید در ایران تمام شود. اما این را به عنوان جنگی بین ایران و غرب و یا دعوت به آن اشتباه نکنید. این هیچکدام نیست.

این درگیری بین دولت‌های ملت نیست، بلکه جنگ با یک ایدئولوژی رادیکال در عرصه بین‌المللی و تحمیل شد بر همه ملت‌ها، از ملت ایران گرفته تا ملت شما.

در واقع این ملت بزرگ و تاریخ ساز ایران بود که اولین قربانی این اتحاد نامقدس و جمهوری اسلامی ناشی از آن بود. ۴۵ سال است که ایران اسیر است و هموطنانم به گروگان گرفته شده‌اند. آنها نه توسط تحریم‌های آمریکا یا سیاست‌های غرب، بلکه توسط اسلام گرایی افراطی گروگان گرفته شده‌اند. اما نخبگان سیاسی غرب در واقع شریک جرم بوده‌اند، نه تنها در گروگان گرفتن هموطنان من، بلکه در جنایات علیه شهروندان و ملت‌های شما هم شریک جرم بوده‌اند. همدست اصلی آیت‌الله‌ها در یورش خشونت آمیزشان در جهت دستیابی به خلافت جهانی، ساده لوحی سیاسی آمریکا در مورد ماهیت واقعی این رژیم و خطا و ترس اروپایی‌ها از «اسلام‌هراسی» بوده است.

شما مجبور نیستید به تنهایی با این ایدئولوژی مسموم و قاتل مبارزه کنید، بلکه باید آگاه باشید که این ایدئولوژی با شما در جنگ است.

من خبر خوبی دارم زیرا ارتشی علیه این ایدئولوژی سمی، این اتحاد نامقدس قیام می‌کند. آن ارتش، مردم ایران، ملت متحد ایران است. امروز من با پیامی از آن ارتش در حال ظهور، آن ملت در اسارت... آن شهروندانی که به گروگان گرفته شده‌اند، نزد شما می‌آیم.

جمهوری اسلامی ممکن است ایران را تسخیر کرده باشد، اما هرگز نتوانست عشق ایرانیان به میهن‌شان را تحت کنترل خود در آور. امروز ایران، با الهام از تاریخ کهن و تمدن بزرگ ما، در مهلکه یک تجدید حیات ملی، یک بیداری دوباره ملی و ایرانیان مردمی مغرور، قوی با تاریخ پرافتخار و پر سابقه هستند و حاضر نیستند آن را به این اتحاد نامقدس ببازند. همانطور که هموطنانم در خیابان‌ها یا در آرامگاه کوروش کبیر شعار می‌دهند «می‌جنگیم، می‌میریم، ایران را پس می‌گیریم!»

اما کسانی هستند که در مقابل آنها ایستاده‌اند. منافع جهانی وجود دارد که ترجیح می‌دهند رژیم اسلامی ایران در قدرت بماند. آنها پول زیادی به دست می‌آورند، از مزایای وجود آن سو استفاده می‌کنند یا با آن احساس راحتی دارند. من این را می‌دانم زیرا مردانی قدرتمند، مردانی ثروتمند و مردانی با ارتباطات خوب بارها به من گفته‌اند که مبارزه را متوقف کنم، از تلاش دست بکشم زیرا آنها برنامه‌های بزرگ و جهانی در سر دارند. برخی می‌خواهند رژیم را برای همیشه سر جای خود نگه دارند، برخی می‌خواهند کشور را به آتش بکشند تا از انفجار اجتناب نپذیرد آن دولت‌هایی ایجاد کنند که بر سر آنها نقش خیر خواه، ارباب و خدا را ایفا کنند. اما من از ادامه این راه نمی‌ایستم و تسلیم نمی‌شوم، زیرا هموطنانم لایق شرایط بهتری هستند.

اما اشتباه نکنید. این بیداری ملی یک پروژه ایرانی است، نه چیزی که باید در واشنگتن، لندن، برلین یا پاریس پخته شود.

پس چرا من امروز اینجا با شما هستم؟ من اینجا هستم با پیامی از هموطنانم، پیامی از ملت ایران. دوستان من، مردم ایران دوست دارند شما را در ایالات متحده به عنوان یک شریک ببینند.

پیام آنها این است که آنها به دنبال یک اتحاد در هم گره خورده نیستند، بلکه به دنبال اتحاد ارزش‌های مشترک و منافع متقابل هستند، اتحادی که در خدمت منافع واقعی ملی ایران و منافع شما باشد. در واقع، ایران یکی از معدود مسائل سیاست خارجی است که در آن ایالات متحده می‌تواند منافع خود را با ارزش‌های خود هماهنگ ببیند.

در حالی که دیکتاتور رژیم با شعارهای روزانه مرگ بر آمریکا سعی در شستشوی مغزی جوانان ایران داشته است. هموطنان من به خیابان می‌آیند و می‌گویند: «مرگ بر جمهوری اسلامی!» و «دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست!» وقتی رژیم پرچم‌های آمریکا را روی زمین می‌گذارد، هموطنان من از پا گذاشتن روی آن و قدم زدن روی آن، با پریدن امتناع می‌کنند. و این یک پدیده جدید نیست. ایرانیان تنها مردمی در خاورمیانه هستند که در 11 سپتامبر 2001 به خیابان‌ها ریختند تا در کنار شما سوگواری کنند و در کنار شما بایستند.

آنها همچنان شاهد کشته شدن هموطنان خود و شما در درگیری‌های بی‌هدفی هستند که جمهوری اسلامی در خاورمیانه به راه انداخته است. و آنها راه حلی را به شما پیشنهاد می‌کنند تا خود را از این درگیری‌ها رها کنید، منطقه را مجدداً متعادل کنید و مسائل خاورمیانه را با راه حلی خاورمیانه‌ای حل کنید.

زیرا در حالی که جمهوری اسلامی به دنبال گسترش خلافت رادیکال خود در سراسر منطقه است، هموطنان من این توسعه طلبی را محکوم می کنند و فریاد «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران»

آنها از اینکه کشورشان که زمانی می درخشید مانند وسیله ای برای یک هدف رادیکال اداره شود، خسته شده اند. آنها دولتی می خواهند که به فکر خود باشد و مانند سوریه، عراق، لبنان یا یمن، خون یا ثروتشان را برای دخالت در جنگ های خارجی خرج نکند. آنها می خواهند ایران را به حالت یک دولت-ملت برگردانند، همانطور که ما بیش از دو هزار سال بودیم.

چطور ممکن است این همه اتفاق بیفتد؟ دوستان من به دنبال مداخله شما نیستیم. ما به دنبال خیریه شما نیستیم.

من اینجا نیستم که از شما برای خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی اجازه بگیرم و از شما بخواهم این کار را برای ما انجام دهید.

ایران واقعی، ایران باستان و ایرانی که به زودی آزاد خواهد شد، به دنبال قیومیت شما نیست، بلکه به دنبال مشارکت شماست. به دنبال کمک مالی شما نیست، بلکه به دنبال دوستی شماست، زیرا علایق ما به منحصر به فردترین شکل،

پس دوستان من، در مقابل تهدید فزاینده این اتحاد نامقدس سرخ و سیاه، مشارکت با ملت ایران چه شکلی است؟ وقتی حاکمیت بر ملت کهن ما به حاکمیت واقعی خود یعنی مردم ایران بازگردانده شود، چه شکلی خواهد بود؟

ایران بار دیگر لنگر صلح و ثبات در خاورمیانه خواهد بود، تا در نهایت بتوانید پسران و دختران خود را از سرزمین های دور به خانه بازگردانید، البته با عزت.

ایران بار دیگر مرکز رونق در منطقه و پناهگاه امنی برای سرمایه گذاری خارجی خواهد بود، نه کمک های خارجی.

ایران بار دیگر متحد ایالات متحده و شریک نزدیک اسرائیل و کشورهای عربی خواهد بود و شاهد رشد پیمان ابراهیم به پیمان کوروش خواهد بود.

ایران بار دیگر موتور پیشرفت، مدافع آزادی و عدالت خواهد بود، نه گسترش دهنده وحشت و شر.

می بینید که من از عبارت «بار دیگر» را به کار می برم زیرا این چیز جدیدی نیست. این نوع روابطی است که دو ملت ما قبلا داشتند، به ویژه تحت رهبری پدر من و رئیس جمهور نیکسون.

در آن زمان ایران به دنبال برقراری صلح و روابط سازنده بر اساس منافع متقابل با همه ملت‌ها بود. ما با آمریکا و متحدان اروپایی اش دوست بودیم. اما ما همچنین با داشتن روابط پایدار و صمیمانه با اتحاد جماهیر شوروی و چین، یک سیاست خارجی متعادل را حفظ کردیم. ما هم با هند و هم با پاکستان کار کردیم. ما هم با اسرائیل و هم با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس رابطه داشتیم. ایران صلح را در خاورمیانه حفظ کرد و ما می‌توانیم دوباره این کار را انجام دهیم. اما چه چیزی کم است؟

چیزی که تا کنون مانع از این امر شده است، عمدتاً سیاست آمریکا در قبال ایران بوده است که با ساده لوحی روشنفکرانه بر اساس این پیش فرض نادرست هدایت می‌شود که شما می‌توانید رفتار کسانی را که معتقد به چنین ایدئولوژی رادیکالی هستند تغییر دهید. اما این تضاد بین دولت‌های ملت نیست، بلکه علیه ایدئولوژی رادیکال و مخربی است که نمی‌توان با آن مذاکره کرد. نمی‌توان با این ایدئولوژی استدلال کرد. قابل تغییر نیست. هیچ "معامله بهتری" وجود ندارد. این ایدئولوژی باید شکست بخورد و این دقیقاً همان چیزی است که هموطنان من برای آن جنگیده‌اند.

شاید برخی از این‌ها شما را خسته کند، میدانم. برخی از گفتگوها از این قبیل در دهه‌های گذشته، رهبری سیاسی شما را به مسیر اشتباه سوق داده است. در افغانستان، به دلیل اینکه مردم ظاهرشاه را حتی در سنین پیری، نماد و منبع وحدت ملی می‌دیدند، زمانی که ۷۰ درصد از پارلمان طایفه‌ای این کشور پس از طالبان خواستار احیای سلطنت مشروطه او بودند، دولت آمریکا این خواسته ملی و این حق حاکمیتی را انکار کرد. با تحمیل یک ساختار غیراصیل غربی بر جامعه‌ای با سنت‌ها، هنجارها و ابزارهای حکومتی خود، نتیجه فساد، هرج و مرج و فروپاشی دولت بود. این یک اشتباه ویرانگر بود که عواقب آن را امروز می‌بینیم.

این نه امنیت را برای آمریکا به همراه داشت و نه در دفاع از ارزش‌های شما موفق بود. امروز بار دیگر حملات تروریستی از قندهار راه اندازی شده و زنان بار دیگر در کابل به بردگی گرفته می‌شوند. زیرا اگرچه اهداف آمریکا ممکن است با نیت خوبی بوده باشد، اما ناتوانی در گوش دادن به صحبت‌های افغان‌ها، آن را به سمت جهنم سوق داد که با همان نیت‌های خوب هموار شده بود.

تنها چند سال بعد در عراق، استکبار و جهل نخبگان سیاسی واشنگتن، منافع و حاکمیت ملی عراق را تحت سلطه منافع کوچک و فرقه‌ای قرار داد که نه تنها نتوانست کشور را متحد کند، بلکه آن را بیشتر تقسیم کرد. شهروندان عراقی مجبور شدند قبل از آن که بتوانند خود را به عنوان شهروندان برابر یک ملت بشناسند، خود را نه به عنوان عراقی، بلکه به عنوان اعضای فرقه مذهبی، گروه قومی یا قبیله خود می‌شناسند.

و فراموش نکنیم که همه اینها با نیروی نظامی انجام شد. بگذارید موضع خودم را روشن کنم. این اشتباه نباید در ایران تکرار شود و من طرفدار آن عده معدودی رادیکالی که ممکن است از آن دفاع کنند، چه و ایرانی و چه آمریکایی، نمی‌ایستم.

اما راه دیگری برای این مشارکت بین این دو ملت بزرگ ایران و آمریکا وجود دارد. راهی که مماشات با اسلامگرایان رادیکال که ایران را گروگان گرفته اند و جنگ خود را به سوی شما می گسترند، را درست اینجا در خاک آمریکا رد می کند. مسیری که جنگ و تحمیل سازه های غیارتانیک غربی را بر ملتی مغرور و کهن رد می کند. این راه جدید، این راه سوم، نیازمند فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی و حمایت حداکثری از مردم ایران است.

ایرانی ها به دنبال خیریه نیستند. آنها نمی خواهند که شما رژیم آنها را برای آنها تغییر دهید. آنها در خیابان های شهرهای سراسر ایران برای حقوق زندگی، آزادی، جستجوی خوشبختی و برای بازپس گیری ارزشمندترین میراث خود یعنی ملتشان، می جنگند. چیزی که آنها می خواهند این است که شما با ارسال میلیاردها دلار به قاتلان و اسیرکنندگان آنها کمک نکنید و بر خلاف ایجاد صلح از طریق قدرت، ایجاد هرج و مرج از طریق ضعف و مماشات را انجام ندهید.

دوستان من، شما در جنگ هستید. اما جنگ شما با ملت ایران نیست. مبارزه شما با ایدئولوژی رادیکال جمهوری اسلامی و مدافعان آن در واشنگتن است. اما شما در این مبارزه تنها نیستید. زیرا این همان جنگی است که ایرانیان هر روز در خیابان های کشور من در پیش رو دارند. در نبرد میان جمهوری اسلامی و ایران، هموطنانم برای پذیرش ندای تاریخ و مبارزه برای بازپس گیری ملت خود قدم برمی دارند. و من هم همینطور. و امیدوارم شما هم به ما بپیوندید. همانطور که برک گفت:

«وقتی انسان های بد با هم متحد می شوند، خوب ها نیز باید همراه شوند. وگرنه یکی یکی سقوط خواهند کرد.»

تنها چند روز پس از جشن گرفتن روز استقلال آمریکا با شما بودن بسیار اتفاقی است زیرا حدود ۲۵۰ سال پیش، زمانی که توماس جفرسون اعلامیه استقلال را نوشت، او این کار را با الهام از ارزش های کوروش کبیر پادشاه ایران انجام داد. ایرانیان هرگز این پیوند را فراموش نکرده اند و امروز که نه برای خلق، بلکه برای رهایی ملت خود می جنگند، از مبارزه شما برای آزادی و عشق به وطن الهام گرفته اند. دو ملت بزرگ ما در این پیوند خاص مشترک هستند.

تمدن های بزرگ، ملت های واقعی، هرگز تحت انقیاد باقی نمی مانند. و ما ایرانی ها کشورمان را پس خواهیم گرفت. همانطور که این احتمال به واقعیت تبدیل می شود، در این مبارزه با ما باشید – نه به عنوان حامیان ما، بلکه به عنوان شرکای ما. نه به عنوان سرمایه گذاران ما، بلکه به عنوان دوستان ما. زیرا نبرد ما یکی است.

سپاسگزارم.»

آغاز بیداری و جنبش مشروطیت

سعید حمزوی

بر میگردیم به دوران ناصر الدین شاه و امتیازاتی که به خارجی‌ان داده شد قرار داد کشیدن راه آهن از بوشهر تا گیلان به انگلستان پس از ده سال توقف پس گرفته شد. امتیاز توتون و تنباکو، مردم مقاومت و ایستادگی بی نظیر کردند و از میان رفت. و موضوعات دیگری از خود نشان دادند تصمیم گیرنده گان بتدریج با حس حضوری که پیدا کردند و با خبرهایی که از اروپا و قفقازیه میرسید و روز نامه خوانی متداول، روشنفکری گسترش یافته بود زمینه درست بمانند اروپا و در استانبول تبدیل به مطالبات مدنی و حقوق شهروندی پیش میرفت.

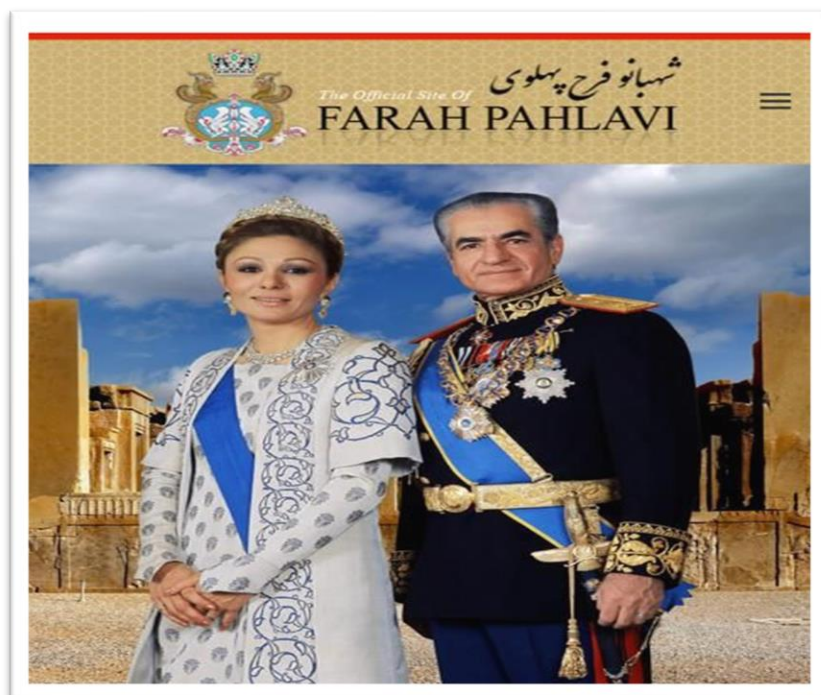
و در نتیجه در اثر نارضایتی مردم و جلوگیری از نفوذ بیشتر کمپانی صاحب امتیاز، جنبش آغاز گردید و شاه و امین السلطان که واگذار کننده امتیاز بودند روبروی عده زیاد از مردم قرار گرفتند و پیش از همه تبریزها بر خاستند امیر نظام مامور سخت گیری شد مردم در جواب اگهیهای تبلیغاتی چسبانده به دیوارها را پاره و بجای آن اشعار ملی و میهنی نصب کردند امیر نظام گروسی از فشار بمردم خود داری و کناره گیری کرد، پس از شروع تبریز اصفهان و سپس تهران به جنبش پیوست و مردم از مصرف توتون صرف نظر و قرارداد لغو شد جنبش تنباکو سر آغازی و نمونه برای جنبشهای دیگر و درک قدرت اراده ملی درسی شد تا مردم بداد خواهی از محاکم شرع بپا خیزند، مشروطیت را تا نرسیدن به نتیجه دنبال کنند، در اینمدت تکنیک: تلگراف، تلفن، پست خانه، ضرابخانه و چراغ گاز از تجربه اروپاییان به ایران آورده شد مطبوعات به سرعت رو به رشد گذاشت و صنعت چاپ در همه مراکز شهرهای بزرگ فعال شدند و به بیداری مردم بسیار همت گماشتند و سهم چشمگیری در رسیدن مردم به حکومت قانون و حقوق شهروندی و در تحصیل صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ خورشیدی را از شاه وقت دارا و تاریخ کشور را به وجودش بهره مند سازند. با تاسیس مجلس شورایملی و سپس مجلس موسسان برای تدوین قانون اساسی ایران در ۵۱ ماده و به تصویب رسانیدن، نمایندگان ملت و امضا از شاه دوره اول قانون گذاری ایران قوت قانونی و از پشتیبانی ملت برخوردار گردید.

لازم دانسته شد در راه حفظ مشروطیت مواد دیگری به قانون اساسی پس از بررسی اضافه شود، برای اینکار کمیته‌های متعددی از مشاغل بر حسب نیازهای روز کشور مشغول رسیدگی شدند و ۱۰۷ ماده دیگر را از طریق قانون تحت عنوان متمم به آن افزودند که تا بامروز به قوت حقوقی و قانونی باقی مانده و از اعتبار اجتماعی در حفظ منافع ملی و تحویل تاریخی در مزایای اجرایی آن که دارا و باطل نگر دیده است به نسل‌های آینده تحویل داده شود تا کشور به آزادی رسیده و به وجودش بمانند گذشته به کشورهای آزاد جهان پیوندد و برای همیشه از دست دشمن رهایی یابد.

استمرار شاهنشاهی ایران و تشکیل دولت ملی ضامن بقا و سر بلندی برای همه ایرانیان عاشق ایران است.

"در هیچ دوره‌ای از تاریخ مردم ایران به اندازه امروز عاشق ایران نبوده اند"

پاینده ایران جاوید شاه
شورای باز پس گیری ایران.



پاینده ایران!

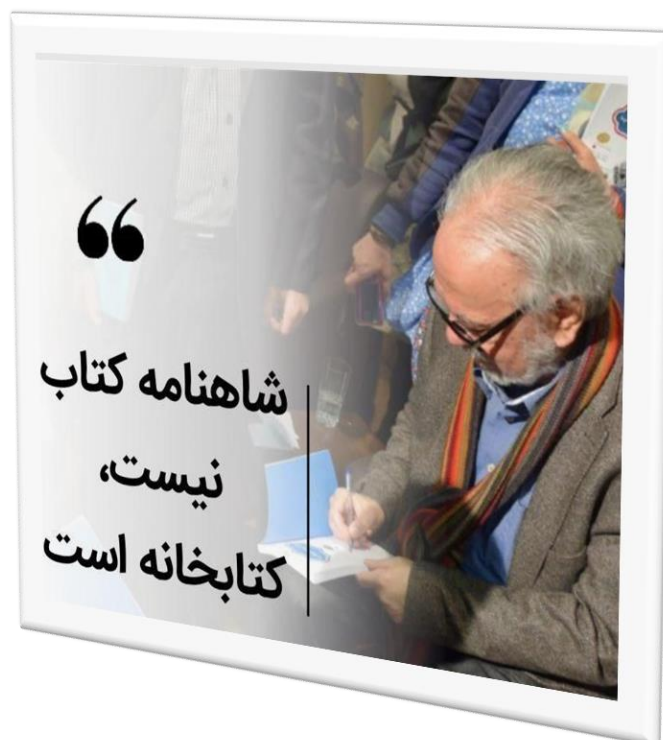
هنگامی که سخن از میهن پرستی به میان می آید، ایده ها و آرمان ها و تئوری های کلاسیک سیاسی و حزبی و نظریه پردازی های علمی کافی نیست. باید کردارها و رفتارها را نیز مد نظر قرار داد تا بشود براساس عملکرد افراد از شخصیتی به نیکی نامبرد در زمان ما؛

شهبانو فرح یکی از نامداران میهن دوستی هستند که به جهان و به ملت ایران نشان دادند که در صف اول میهن پرستان راستین ایستاده اند زیرا نجابت، اصالت و متانت ایشان در سال های پر فراز و نشیب و گاه غم انگیز حیات ایشان، نشان داده اند که حفظ تاریخ و فرهنگ ایران تنها آزرده جنگ و مبارزات سیاسی نیست که پاسداری از هنر ایرانی و به نمایش گذاشتن آن، نشان از درخشش تمدن و فرهنگ جاودانه ایران زمین دارد.

از دیگر خدمات ارزنده ایشان به ملت و میهن پروراندن و لיעهد در دامان پر مهرشان بود که امروز تنها ناجی ملت ایران رضا شاه دوم فرزند شایسته ایشان است .

از ایران

می.جنگیم میمیریم ایران را پس میگیریم



برگی از فضای مجازی

استاد جلال خالقی مطلق می گوید :

شاهنامه کتاب نیست، کتابخانه است!

شاهنامه یک کتاب نیست بلکه یک کتابخانه است. اگر بپرسند از شاهنامه چه می توان آموخت؟ پاسخ من این است که بی اغراق از هر صفحه از شاهنامه می توان نکته ای آموخت. از شاهنامه تاریخ و فرهنگ باستانی را آموخته اند.

از شاهنامه آداب و رسوم و آیینهای نیاکان ما را آموخته اند. از شاهنامه ادبیات باستان ما را آموخته اند.

از شاهنامه شاعری آموخته اند. از شاهنامه اخلاق نیکو آموخته اند. از شاهنامه کشورداری آموخته اند. از شاهنامه هویت تاریخی، فرهنگی و ملی ایرانیان را آموخته اند و از شاهنامه زبان فارسی را آموخته اند.

امروز اهمیت زبان فارسی در کنار اهمیت هویت تاریخی، فرهنگی و ملی مهمترین آموزه ی این کتاب است و این دو آموزه از یکدیگر جدا نیستند.

برگی از فضای مجازی

مردم مواظب طاغوت در لباس روحانیت باشند .

از سخنان آیت الله سید محمد حسین بهشتی:

« طاغوت کسی است که تمام تکبر و بزرگ بینی در او جمع شده است..

طاغوت کسی است که خود را فراتر از قانون می داند و به هیچکس پاسخگو نیست...

طاغوت کسی است که خود را عقل کل و دیگران را نادان می داند...

طاغوت کسی است که با زور و قلدری بجای مردم تصمیم می گیرد و مخالفانش را سرکوب می کند...!

طاغوت هزار چهره است و می تواند در هر شکل و لباسی ظاهر شود..

طاغوت ممکن است با کراوات و ظاهری بسیار مدرن باشد

طاغوت ممکن است در لباس نظامی ظاهر شود

طاغوت ممکن است در لباس پادشاهی ظاهر شود.. طاغوت ممکن است در همین لباسی که تن بسته است یعنی در لباس

روحانیت ظاهر شود، تعجب نکنید!

بیاد دارم این واژه طاغوت را انقلابیون در روزهای اول به پادشاه ایران ساز و دلسوز ملت و میهن نسبت میدادند واقعا

کدامیک از این صفات ناپسندیده در نهاد پادشاه فقید ایران بود؟

ایران که شاه نداره حساب کتاب نداره

نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران

برگی از فضای مجازی

گردآورنده

زهره صفاریپور

هموطن این نمایندگان هستند که برخی از شما به آنها رای داده‌اید لطفاً حقوق اینان را با حقوق خود قیاس کنید. آیا چنین رژیمی شایستگی اداره کشور ایران کهنسال را دارد؟ میزان حقوق دریافتی نمایندگان مجلس فقط در خردادماه امسال به طور میانگین برای هر نفر بین ۱۷۰ تا ۲۷۰ میلیون تومان بوده است که به علاوه پاداش های ۲۵ تا ۳۰ میلیونی در هر ماه متغیر است.

لیست حقوق پرداخت شده ۲۲۶ نفر نمایندگان مجلس در خرداد ۱۴۰۲: مبلغ ۴۸۳.۱۰۹.۵۲۴.۱۳۱ ریال. یعنی ماهی ۴۸ میلیارد تومان فقط حقوق برای ۲۲۶ نفر...

و این نمایندگان که دستور می‌دهند دختران و فرزندان و خواهران ما را بواسطه حجاب اجباری کور کنند و زندان ببرند بکشند و در مقابل همه فشارهای امنیتی به معترضین ساکت نشسته و مینگرند.

خاطرات یک معلم متعهد ایران دوست

۱۴ مرداد سال هشتاد و یک شمسی بود من به اتفاق دوستی برای بزرگداشت جنبش مشروطیت راهی میدان بهارستان شدیم بانوان زیادی از گوشه و کنار تهران به میدان آمده بودند بعد از سر دادن شعارهای زنده باد شاه و شعارهایی علیه رژیم به ناگهان موج عظیمی از نیروهای انتظامی میدان را بستند و با باتون به جان بانوان و دخترانشان افتادند و همه ما را به کلاتری مستقر در میدان بهارستان بردند برخی از بانوان و دختران یا پایشان شکسته بود و یا دستشان از انجا به بازداشتگاه و زرا برده شدیم در طول ۴۸ ساعت بازداشت رفتار خشونت بار آنها توام با زشت ترین کلمات که از دهان بازجویان امنیتی و مامورین انتظامی بیرون میامد باور نکردنی بود، انهم با بانوان .

امید که ملت ایران با اراده ملی و اتحاد و همبستگی به رهبری ولیعهد پادشاه کنونی خود از این رژیم ضحاکي زمان عبور کنیم و حکومت پادشاهی پارلمانی را بر اساس قانون اساسی مشروطیت بدون دخالت دین در سیاست برپا کرده تحویل آیندگان دهیم.



دلایل جنبش مشروطیت

قاجاریه ۱۳۲ سال برایان حکومت کردند اوضاع نابسامان دولت قاجار منجر به آن شد که بعد از کشته شدن ناصرالدینشاه افرادی چون قایمقام فرهانی - میرزا تقی خان فرهانی - میرزا حسن خان سپهسالار و حسن تقی زاده ، سیدجمال الدین اسد آبادی - میرزا ملکم خان ، تصمیم گرفتند که تغییراتی در ساختار حکومت بدهند این تغییر منجر به جنبش مشروطیت و نوشتن قانون اساسی مشروطیت شد خواستهای مشروطه خواهان عبارت از:

- یک - محدود کردن قدرت و اختیارات پادشاه از پادشاهی مطلقه به پادشاهی مشروطه .
- دوم - نهادهای سازی حقوق اساسی ملت ایران از جمله آزادی فردی در همه شرایط اجتماعی و مدنی
- سوم - عدالت قضایی و ایجاد قوه قضاییه مستقل و حکومت قانون و پادشاهی پارلمانی و جدایی دین از سیاست بود که متأسفانه این مورد وسیله اخوندهای حاکم در خاندان قاجار منجر به متمرکز در قانون شد.

قانون اساسی مشروطیت از ۱۴ مرداد ۱۲۸۵، بعد از امضای مظفرالدینشاه قاجار که به رسمیت رسید تا سال ۱۳۵۷ تا دوران حکومت پهلوی ادامه داشت.

شورای نویسندگان پیامنامه افتخار دارد این روز را به ملت ایران تبریک گفته و خواهان تداوم قانون اساسی مشروطیت به رهبری رضا شاه دوم باشند.

زهره صفاریور ، محمود احمدی.



این تصویر یادآور جاودانگی نام کیان پور فلک عزیز و همه جانبختگان انقلاب مهسا می باشد یاد و نامشان گرامی باد.

اصولکرا، اصلاح طلب، دیکه تموم مابجرا